امکان استعمال حقیقی کلمه‌ی «انبات» برای معدن

شاگرد: در روایات «فیها» را به جبال زده‌اند.

استاد: مانعی ندارد. «من کل شیء موزون» یعنی آهن و رصاص و ذهب. اقوالی هست. باید ببینیم کدام یک از آنها مراد است. «موزون» یعنی چیزهای سنگین؟! پس چرا فرموده است: «انبتنا»؟! می‌گوییم هم حقیقت «انبتنا» ممکن است و هم مجاز آن. آیا می‌توانیم بگوییم خداوند متعال طلا و مس را در دل زمین رویانده است؟ «اثقال و ثقل» سنگینی است. وزن هم می‌خواهد سنگینی را تشخیص بدهد. «وأخرجت الأرض أثقالها»[1] «اثقال» یعنی معدن‌هایی که در دل زمین است، بیرون می‌آید و همه آشکار می‌شود. لذا این معدن‌ها در دل کوه‌ها موزون هستند. من نمی‌خواهم آنها را رد کنم. اما وقتی عرف عرب، بچه، کبیر و صغیر این آیه‌ی «أنبتنا فیها» را می‌شوند، چه چیزی به ذهنشان می‌آید؟ مکرر عرض کرده‌ام وقتی می‌خواهیم برای این آیه معانی طولی در نظر بگیریم، چه رادعی داریم و چه ملزمی برای آنها هست تا از آن معانی که بچه‌های عرب می‌فهمند فاصله‌اش بدهیم؟ باید اول آن را بفهمیم و معنا کنیم و آن را سر برسانیم، بعد ده‌ها مطلب بعد از آن داریم.

شاگرد: خُب، وقتی روایت داریم، چه کنیم؟

استاد: وقتی استعمال لفظ در اکثر از یک معنا جایز است و اگر معانی حقها هستند و مستعمل هستند، خُب، روایات دارد یکی از آنها را می‌گویند. اثبات شیء که نفی ما عدا نمی‌کند. حضرت علیه السلام به ابوحنیفه چه گفتند؟ روایت خیلی جالبی است. بحث شد؛ شاید هم حضرت علیه السلام ابتدا از او پرسیدند[2] که چرا نخاع حرام است؟ او گفت شما بفرمایید. حضرت علیه السلام فرمودند: چون نخاع مجرای منی است. او گفت: «ظفرت بک»؛ یعنی مچ شما را گرفتم. حضرت علیه السلام فرمودند: چرا؟؛ گفت: «وَاللّٰهُ یَقُولُ یَخْرُجُ مِنْ بَیْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ»، اینکه نخاع نیست. فوری اشکال کرد. حضرت علیه السلام جمله‌ای را فرمودند: «فَهَلْ قَالَ یَخْرُجُ مِنْ غَیْرِ هَذَیْنِ الْمَوْضِعَیْنِ»؟! خدا فرموده است: از این جا خارج شده است، اما آیا فرموده از نخاع خارج نشده که بگوییم آیه می‌گوید از نخاع خارج نشده است؟! قرآن یک بخشی از آن را می‌گوید. می‌گوید: «یَخْرُجُ مِنْ بَیْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ»[3]. نگفته است: «لم یخرج من النخاع». آیه‌ی شریفه دارد این بخش را می‌گوید، من هم دارم بخش دیگری از خروج و جریان آن را می‌گویم.

در این جا هم همینطور است. یعنی وقتی امام علیه‌السلام می‌گویند در این جا یکی از معانی و حوزه‌های صدق آیه‌ی شریفه این است که آن معادن در دل کوه‌ها انبات می‌شود. به گمان من استعمال کلمه‌ی «انبات» برای معدن، حقیقی می‌شود. هیچ مانعی ندارد. مثل «نما» است؛ «نبت» سر معدن می‌آید. شاید در این مباحثه بحث لغوی آن را کرده باشیم. خیلی لغت عالی ای است. مانعی ندارد. «والله أنبتکم من الأرض نباتا»[4]؛ شما را رویانده‌ی. عرف ساده‌ی عرب این کلمه را مجازی حمل می‌کند، ولی بعداً می‌تواند حقیقی هم شود.

شاگرد: مثال ًخود نبات به جهت اینکه رشد می‌کند، به آن نبات می‌گویند.

استاد: نبات فارسی را نمی‌دانم.

---

[1]. الزلزله، آیه‌ی ۲.

[2]. المناقب، ج ۴، ص ۲۵۲: «ثُمَّ قَالَ لَا بَلْ قُلْ أَرَدْتَ أَنْ تَجْعَلَ عَلَى قِيَاسِكَ مَنْ لَا يَعْلَمُ أَنَّ السَّمَاءَ عَلَيْهِ سَقْفٌ مَحْفُوظٌ وَ أَنَّ الْأَرْضَ لَهُ مِهَادٌ مَوْضُوعٌ وَ أَنَّ الْبَهَائِمَ وَ الْأَنْعَامَ تَأْكُلُ مِنْ نَبَاتِهَا وَ تَشْرَبُ مِنْ مَائِهَا وَ أَنَّ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاةَ مِنْهَا وَ أَنَّ الْجَمَادَ لَا يَكُونُ فِي الْمَعْنَى كَالْحَيَوَانِ وَ لَا الْحَيَوَانَ كَالْجَمَادِ وَ لَا الْمَوْتَ كَالْحَيَاةِ وَ لَا الْحَيَاةَ كَالْمَوْتِ وَ لَا النَّبَاتَ كَالْأَرْضِ وَ لَا الْأَرْضَ كَالنَّبَاتِ وَ لَا الْمَاءَ كَالنَّارِ وَ لَا النَّارَ كَالْمَاءِ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْحَيِّ وَ الْمَيِّتَ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَاءَ مِنَ النَّارِ وَ النَّارَ مِنَ الْمَاءِ وَ يُخْرِجُ النَّبَاتَ مِنَ الْأَرْضِ وَ الْأَرْضَ مِنَ النَّبَاتِ وَ يُخْرِجُ الْمَوْتَ مِنَ الْحَيَاةِ وَ الْحَيَاةَ مِنَ الْمَوْتِ وَ يُخْرِجُ الْجَمَادَ مِنَ الْحَيَوَانِ وَ الْحَيَوَانَ مِنَ الْجَمَادِ وَ يُخْرِجُ الْمَعْنَى مِنَ الْمَعْنَى وَ يُخْرِجُ الْمَعْنَى مِنَ الْجَمَادِ وَ الْحَيَوَانِ وَ يُخْرِجُ الْجَمَادَ وَ الْحَيَوَانَ مِنَ الْمَعْنَى فَهَلْ تَجِدُ لِلَّهِ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ مِنْ عِبْرَةٍ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّلْبُ وَ التَّرَائِبُ قَالَ أَبُو».

[3]. الطارق، آیه‌ی ۷.

[4]. نوح، آیه‌ی ۱۷.

بازبینی #2
ایجاد شده 13 فوریه 2024 12:59:42 توسط ... .
به روزرسانی شده 15 فوریه 2024 10:39:54 توسط ... .